

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همانطور که عرض کردیم روایات ما تقیه را به چند دسته تقسیم می کنند؛ اول تقیه خوفیه و دوم تقیه کتمانیه و سوم تقیه مداراتیه می باشد که توضیح هر کدام و روایات مربوط به آن ها به عرضتان رسید.

صاحب وسائل در وسائل بابی به نام باب وجوب طاعة السلطان بالتقیة ذکر کرده اند، خوب حالا ما می خواهیم ببینیم که این عنوان هم تحت همان سه قسم تقیه است یا اینکه خودش یک عنوان مستقلی از تقیه در مقابل آن سه قسم می باشد؟ باب مذکور باب ۲۷ از ابواب الأمر والنهی می باشد که در ص ۴۷۲ از جلد ۱۱ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است و خبر اول از این باب این خبر است: «محمد بن علی بن الحسین فی (المجالس) عن احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی، عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن موسی بن اسماعیل، عن أبیه، عن جدّه موسی ابن جعفر (ع) أنّه قال لشیعته: لا تذلو رقابکم بترک طاعة سلطانکم، فإن کان عادلاً فاسألوا الله بقاءه، وإن کان جائراً فاسألوا الله إصلاحه، فإنّ صلاحکم فی صلاح سلطانکم، وإنّ السلطان العادل بمنزلة الوالد الرحیم، فأحبوا له ما تحبون لأنفسکم، واکرھوا له ما تکرهون لأنفسکم» این خبر از جهت سند بسیار ضعیف است چون اولاً احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی اصلاً در رجال ما مذکور نیست و جزء مهملات می باشد و ثانیاً موسی بن اسماعیل و أبیه و جدّه مجهول الحال هستند و ما سه نفر موسی بن اسماعیل در رجال داریم که هیچکدام از آنها موثق نیستند خلاصه در سند روایت چند نفر مجهول الحال و مهمل وجود دارد که باعث ضعف آن شده اند فلذا ما نمی توانیم بگوئیم که این عنوان یکی از اقسام تقیه در مقابل سه قسم مذکور می باشد و در این باب سه خبر وجود دارد که هر سه تای آنها سنداً ضعیف هستند.

اما خبر دوم از این باب این خبر است: «و عن محمد بن علی بن بشار، عن علی بن ابراهیم القطن، عن محمد بن عبدالله الحضرمی، عن احمد بن بکر، عن محمد بن مصعب، عن حماد بن سلمة،

عن ثابت، عن أنس قال: قال رسول الله (ع): طاعة السلطان واجبة، و من ترک طاعة السلطان فقد ترک طاعة الله عزوجل، و دخل فی نهیه، إن الله عزوجلّ يقول ولا تلقوا بأيديکم إلى التهلكة» در این روایت غیر از آنس که یکی از خدمتکاران پیغمبر (ص) بوده بقیه افرادی که در سند ذکر شده اند مجهول الحال هستند فلذا این خبر هم ضعیف می باشد.

و اما خبر سوم از این باب این خبر است: «وفی (عیون الاخبار) عن احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی، عن علی بن ابراهیم، عن محمد بن الحسن المدني، عن عبدالله بن الفضل، عن أبیه، عن موسی بن جعفر (ع) - فی حدیث طویل - قال: لو لا أنّی سمعت فی خبر عن جدی رسول الله (ص) أنّ طاعة السلطان للتقیة واجبة إذّا ما أُجبت» در این روایت هم افراد مجهول الحال وجود دارند فلذا این خبر هم ضعیف می باشد بنابراین این باب نمی تواند به طور مستقل یکی از انواع تقیه باشد زیرا اخباری که در این باب آمده تماماً ضعیف هستند و فقط در صورتی که به یکی از آن سه قسم تقیه که قبلاً عرض کردیم برگردد مورد قبول می باشد و لّا فلا زیرا مضمون این روایات که طاعت سلطان عن تقیة واجب است اصلاً و اساساً برخلاف مذهب تشیع می باشد.

یکی از بحث های دیگری که در باب تقیه وجود دارد این است که عملی که در مقام تقیه اتیان می شود آیا مجزی از واقع است یا نه؟ در اینجا در دو مقام باید بحث شود؛ اول اینکه ما در بعضی از اعمال نصّ خاص درباره تقیه داریم مثل نماز خواندن پشت سر عامه و یا وضو گرفتن علی بن یقظین و امثال آن و دوم اینکه ما نصّ خاص نداریم اما کلیات تقیه اقتضا کرده که فلان عمل را مطابق مذهب عامه انجام دهد.

خوب حالا ما می خواهیم ببینیم که فقهای ما درباره تقیه چه فرموده اند، شیخ انصاری رساله ای در تقیه دارند که در ضمن کتاب مکاسب درج شده است و همچنین در عروة در بحث افعال وضو از مسئله ۳۳ تا ۴۳ درباره تقیه بحث شده و آقای حکیم در جلد ۲ مستمسک این مسائل را شرح کرده و بعد نظر خودشان را فرموده اند، و آیت الله خوئی هم در جلد ۴ از التنقیه این مسائل را شرح داده اند که نظر ایشان را هم می توانیم در آنجا ببینیم و

حمّاد بن عثمان ، عن أبي عبدالله (ع) أنّه قال: من صلّى معهم فی الصفّ الاول کان کمن صلّى خلف رسول الله (ص) فی الصفّ الاول .

و خبر ۴ و ۷ از این باب هم مضمونش همین است و نوعاً سندهای آنها خوب و صحیح می باشند مثلاً خبر ۷ این خبر است : « وعنه ، عن البرقی ، عن جعفر بن المثنی ، عن إسحاق بن عمار قال: قال لی أبو عبدالله (ع) : یا اسحاق ، أتصلی معهم فی المسجد ؟ قلت : نعم ، قال : صلّ معهم فإنّ المصلی معهم فی الصفّ الأول کالشاهر سیفه فی سبیل الله . » خوب همین طور که می بینید این روایات دلالت دارند بر مدارات با سنی ها به خاطر حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان و حتی خود امیرالمؤمنین (ع) که مظلوم واقع شدند ولی با این حال با آنها رفت و آمد داشتند و به مسجد می رفتند و آنها را هدایت می کردند و به سؤالیهای آنها جواب می دادند و آقای بروجردی (ره) می فرمودند ما در صحیفه سجادیه یک دعا داریم (دعاء ۲۷) که امام سجاد (ع) در آن برای مرزبانان را دعا می کردند خوب در آن زمان حکومت بنی امیه حاکم بوده ولی در عین حال مرزبانان در مقابل کفار که قصد از بین بردن اسلام به طور کلی را داشتند مقاومت می کردند و امام سجاد (ع) برای آنها دعا می کردند ، خلاصه اینکه اخبار ۱ و ۶ و ۷ و ۸ از این باب برمانحن فیه دلالت دارد و همچنین ابواب ۳۳ و ۳۴ از ابواب صلوة الجماعة نیز بر مانحن فیه دلالت دارند....

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين

همچنین در جلد ۲ مهذب الأحكام که یکی از شروح عروة می باشد این بحث مطرح شده خلاصه اینکه ما با توجه به این مطالب و کتبی که عرض شد می توانیم ببینیم که این آقاها نظرشان در بحث تقیه چه می باشد ، خوب و اما استاد بزرگوار ما آیت الله حجّت اعلی الله مقامه که بنده تقریباً ۱۵ الی ۱۶ سال در درس ایشان شرکت کرده ام نظر بسیار خوب و وسیعی در تقیه مداراتیه داشتند ایشان قائل بودند که ما باید ببینیم که آیا بحث تقیه فقط اختصاص به زمان ائمه (ع) دارد یا اینکه فی کل زمان ما باید با سنی ها به خاطر حفظ وحدت در مقابل دشمنان اسلام تقیه مداراتیه داشته باشیم ؟ آیت الله بروجردی به دومی قائل بودند فلذا ایشان با شیخ شلتوت و شیخ عبدالمجید سلیم که از رجال آن موقع سنی ها بودند مکاتبه و ارتباط داشتند و ایشان معتقد بودند که ما باید با هم مدارات و وحدت داشته باشیم تا بتوانیم در برابر کفار اسلام را با عزت و عظمت حفظ کنیم ، علی ای حال الآن بحث ما در این است که آیا عملی که در مقام تقیه اتیان می شود مجزی از واقع هست یا نه ؟ بنده در اینجا نوشته ام : « و فیه مقامان ، أحدهما ما ورد فیه النص الخاص كالصلوة جماعة مع المخالف و الوضوء علی طریقتهم كما فی مورد علی بن یقطین مثلاً ، و ثانيهما ما لم یرد فیه نصٌ خاصٌ و المرجع فیه إلی عموماً التقیة . » در جلسه قبل روایاتی درباره فضیلت اقتداء به سنی ها خواندیم که معلوم می شود بحث شیعه و سنی بحث مهمی می باشد ، آیت الله امینی کتابی به نام شهداء الفضیلة دارند که در آن اسامی ۱۲۰ نفر از علماء ما را که شهید شده اند جمع آوری کرده اند و بنده این کتاب را به دقت مطالعه کردم تا ببینم حرف آنها چه بوده و به چه علت شهید شده اند که دیدم اکثر آنها را سنی ها شهید کرده اند ولی ما تا به حالا حتی یک نفر از علماء عامه را نکشته ایم بنابراین از این برخورد سنی ها معلوم می شود که مسئله شیعه و سنی بسیار مسئله مهمی می باشد .

خوب ما عرض کردیم که در جلد ۵ وسائل ۲۰ جلدی و در باب ۵ از ابواب صلوة الجماعة روایاتی درباره فضیلت نماز خواندن پشت سر سنی ها ذکر شده و خبر اول باب که سنداً صحیح می باشد این خبر است : « محمد بن علی بن الحسین یاسناده عن